

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هيوادوال کابلی  
۱۰ اکتوبر ۲۰۰۹

## در رابطه با نوشته یک عضو شناخته شده جناح پرچم باند «دموکراتیک خلق» در سایت «افغان جرمن آنلاین»

به تاریخ ۵ اکتوبر امسال ، یکی از اعضای باند خاین و وطن فروش مزدور روس ، با استفاده از شرایط مساعد ضد مردمی و ضد افغانی سایت «افغان جرمن آنلاین» ، نوشته ای برای رد ادعاهای واسیلی میتروخین در اثرش به نام «کی.جی.بی. در افغانستان» در رابطه با جاسوس بودن صمد «ازهر» ، بیرون داده است. بانو نوشته خود در رد سایت «افغان جرمن آنلاین» ، آقای «ازهر» هدف دوگانه ای را تعقیب می نماید: یکی «اغفال» ذهنیت عامه کشور؛ و دیگر ، تجدید تعهد به بادران جدید - اینبار غربی! البته هیچ جای شک و تردید نیست که تمام تلاش های اعضا باند «خلق» - پرچم برای «تبرئه» و «تطهیر» شان در برابر مردم و به خصوص در برابر قربانیان مظلوم و جنایات شان تا امروز ناکام و بی اثر بوده ، «پدرکشته ها» را هیچگاه با آنها سرآشتی نبوده و نخواهد بود. به خلاف هر تلاش مذبحخانه ای که برای «تبرئه» خود نموده اند ، سند تازه ای شده است برای ثبوت نوکری بیگانه بودن شان و بیگانه بودن خودشان با مردم و میهن ما.

صمد «ازهر» اگر واقعاً گذشته غیر قابل تردید می داشت ، به عوض ارسال نامه به یک مرجع غربی ، بایست سال ها قبل نامه سرگشاده ای عنوانی ملت و خانواده های قربانی مظلوم روس و نظام دست نشاندۀ آن در افغانستان ، در مطبوعات افغانی خارج کشور و یا جای دیگری به نشر می رساند و آنچه خیانت و جنایتی را که توسط ارتش اشغالگر روس و رژیم دست نشاندۀ آن بر مردم صورت گرفته است ، افشاء می ساخت. این رانتهای وی بلکه همه کادرها و فعالین «بیگانه» باند «خلق» - پرچم بایست انجام می دادند... که ندادند! و از آنجائیکه گفته اند «خاین خایف است» - که این گفته در مورد همه اعضا حزب بدنام و وطن فروش «دموکراتیک خلق» صدق می کند - ، ترس از طغیان خشم به حق مردم و اشتعال حس انتقام جوئی قربانیان مظلوم شان ، به خصوص بعد از آنکه اثر واسیلی میتروخین به دری ترجمه شده و نشر گردید (یعنی در دسترس و مطالعه هموطنان قرار گرفت) ، آنگاه آقای صمد «ازهر» ، برای دفاع از خود، به یک مرجع غربی نوشت و کوشش کرد که «بیگناهی» خود را نزد آنها به اثبات رساند!

البته اینهم تصادفی نیست که آقای «ازهر» از غربی ها طلب آموزش و شفاعت دارد. وی یک نمونه از زمره هزاران «خلق» - پرچمی است که به مجرد سقوط نظام سوسیال امپریالیستی شوروی و از هم پاشیدن نظام دست نشاندۀ آن در افغانستان ، به پای بادران غربی به سجده افتادند. متبازترین نمونه تعویض بادران توسط «خلق» - پرچمی ها ، همانا خود داکتر نجیب الله بود که آرزوی خوشخدمتی به بادران (امریکا) رابا خود درگوربدنامی تاریخی برد.

امروزه صدها عضو سابقه «خاد» ، درچوکات ادارات نظام ساخت امریکا جذب اند و باعین جدیت و خوشخدمتی که از متجاوزان شوروی فرمان می بردند ، امروز مطیع بادران امریکائی و متحدین غربی آن اند. روشن ترین نمونه آن ، عده ای از اعضاء افغانی گارد محافظ «کرزی» است که از جاسوسان «خاد» که در گذشته از شوروی ها صادقانه دستور می گرفتند ، تشکیل شده اند.

در بحبوحه سقوط نظام رسوا و ضد مردمی کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ ، «خلق» - پرچمی ها برای فرار از قهر مردم و انتقام به حق خانواده های قربانیان مظلوم خود ، به هر خس و خاشاک دست انداختند. از «آشتی ملی» خود ساخته گرفته تا در آوردن ادا های «ملی» در چوکات حزب نام نهاد «وطن» ، اسلام پناهی عوام فریبانه ، ترویج استدلالات مذبحخانه و عوام فریبانه «ما همه افغان هستیم» ، «گذشته را دیگر فراموش نمائیم زیرا موجب تفرقه می شود!» و «بیائید مسجد بسازیم» و امثال اینگونه «خیر اندیشی» ها - به خصوص به کمک عده ای از افغانهای بی خاصیت ، ابن الوقت و گویا «بیطرف» در محیط مهاجرت ، کوشش کردند برگزشته سیاه و ننگین خود پرده استتار انداخته و بر «فراموشکاری» ذهنیت عامه حساب نمایند.

همۀ آن تلاش ها تا امروزی اثر مانده و هیچ افغان بابصیرت و با وجدان که خون یک ونیم میلیون شهید بیگناه هموطنش را خط فاصل میان خود و جنایتکاران باند «خلق» - پرچمی می داند ، به رجز خوانی های صمد «ازهر» ها ، یاسین «فولادی» ها و دیگر خائنین ملی و جنایتکاران شناخته شده ، فریب نخواهند خورد. هرگاه یک عضو حزب بدنام ، وطن فروش و ضد مردمی «دموکراتیک خلق» واقعاً بیگناه بوده و با عذاب وجدان بسربرد ، می باید بدون درنگ و باشهامت به افشاگری پرداخته ، همۀ جنایات و وطن فروشی هائی را که شاهد بوده و گویا خود در آنها دست نداشته ، به شکل کامل و دقیق افشا نموده و مسئولین آن رابه مردم معرفی نماید. آنگاه مردم خود خواهند دید که شخص مدعی بیگناهی، واقعاً بیگناه بوده است یا خیر و در مورد وی قضاوت درست خواهند کرد. آقای «ازهر» ، به سان صدها هم قماش وطن فروش خود ، نه تنها از چنین بدیل معقول و منطقی طفره می رود بلکه با افتخار تمام به عضویت خود به آن لانه جاسوسان روس افتخار نموده و به صورت ضمنی از هم پیمانان جنایتکار خود به دفاع برمی خیزد. جای کوچکترین تردید نیست که خودداری «خلق» - پرچمی ها از توسل به آن یگانه وسیله پسندیده «تبرئه» شان ، خود نمایانگر موجودیت «نیم کاسه» در زیر «کاسه» بوده و به هیچ وجه نمی تواند آن هائی را که عزیزان شان به بیرحمانه ترین اشکالی به دست جنایتکاران روسی و نوکران «خلق» - پرچمی شان نابود ساخته شده اند ، گول بزند. در پائین باز هم یادآور می شوم که تلاش های اینجا و آنجا «خلق» - پرچمی ها برای تبرئه شان ، هدف جلب اعتماد و یاب بهتر بگویم حفظ اعتماد بادران غربی شان را دربردارد نه اظهار بیگناهی در برابر مردم و قربانیان جنایات شان. آقای «ازهر» در این مسیر - برنامه خود - تا آنجائی قربانی داده که برای خوشی و رضایت خاطر بادران امروزی و جلوگیری از حساسیت احتمالی آنها در برابر کلمه **ریویوشن** (انقلاب) ، که اعضاء باند وطن فروش «خلق» - پرچم عادت داشتند خایانه و به غلط ، کودتای نظامی خود را «انقلاب» جایزند ، از استعمال آن کلمه خودداری نموده و به

جای آن کلمه ریوولت (شورش و قیام) را به کار برده تا «هم سیب به دست آید» (پرچمی های هم قماشش خرده نگیرند) و «هم یار نرنجد» (رعایت خاطر غربی ها شود).  
نامه صمد «از هر» به یک مقام غربی ، نه تنها سند آستانبوسی وی در برابر غربی ها است بلکه باز هم بی آرم بودن قماش یتیمان سوسیال امپریالیزم شوروی را به اثبات می رساند که باچه تزرع و التماسی ، ماندن در آغوش گرم بادران جدید را مقدم و حیاتی می دانند...

**پر خروش باد واکنش اوج گیرنده مردم غیور ما در برابر استعمارگران وایادی رسوای آنها!**

**مرگ بر جنایکاران عوامفریب باند «خلق» – پرچم!**

**به پیش در راه افشای مجموع خائنین ملی!**